

رعایت اخلاق ورزشی اصلی مهم و اساسی است

هدف از ورزش کردن و ترویج فرهنگ ورزش در بین اقشار جامعه ، مقوله تربیت است و همه برنامه ریزی ها ، اقدامات تدارکاتی ، برگزاری مسابقات و هزینه بودجه های کلان مقطعی یا سنواتی تماما در راستای موضوع تربیت معنا و مفهوم منطقی می یابد. انحراف ورزش از مسیر مذکور به هر میزان می بایست علت یابی شود تا آب رفته از جوی ورزش جدا به این مسیر بازگردد ، ورزش منهای تربیت و مسئله اخلاق امری بی معنا و بی محتوی است.

اخلاق و منش پهلوانی و در نظر گرفتن روحیه جوانمردی در ورزش به عنوان یک شاخص مطرح است و فتح سکوهای قهرمانی بدون در نظر گرفتن اخلاق و تربیت تقریبا یک امر بی ارزش است. آیا بدون اخلاق می توان شان و جایگاهی برای ورزش در نظر گرفت؟ ورزش آن زمانی می تواند در جایگاه واقعی خود قرار گرفته و نقش مهم و اساسی تربیتی را ایفا نماید که اخلاق در آن رعایت گردد.

در هر میدان ورزشی که توجه به اخلاق و خصوصیات پهلوانی و انسانی در اولویت قرار نگیرد چیز بیشتر و مهمی نمی تواند به دست اندرکاران رویدادهای ورزشی بدهد.

یک بازیکن و یک ورزشکار باید حد و مرز خود را بشناسد، خوب به گذشته های ورزشکاران دقت نماید و ببیند آنهایی که در تاریخ ورزش این کشور ماندنی شده اند چه ویژگی های اخلاقی را صاحب بوده اند و چرا علیرغم گذشت سا ها یاد و نام آنها از خاطره ها محو نشده است؟ و باید از زندگی آنها درس بگیرند و به درستی آنها را الگوی اخلاقی خود قرار بدهند.

بررسی چگونگی زندگی ورزشکارانی کهن توانسته اند در تسخیر قلوب موفق باشند و به چهره های ماندگار و الگوهای اخلاقی در ورزش تبدیل شوند نشان می دهد که این قبیل قهرمانان ، افرادی چن بعدی بوده اند. به این معنی و مفهوم که آنها هم در زمینه ورزش قهرمانی و هم در ارتباط با اخلاق و روح پهلوانی و فتوت افرادی شاخص و موفق بوده اند و در سایه این صفات برجسته توانسته اند در دل جامعه رسوخ پیدا بکنند.

به عنوان مثال ایا مرحوم تختی فقط به خاطر مدال های طلایش از رقابت های مختلف محبوب مردم شده و به یکی از چهره های بیز بدیل ورزش منطقه تبدیل شده است؟ ایا نیستند و نبودند قهرمانانی که چون

مرحوم تختی مدال های رنگارنگ جهانی و المپیک را به دست آورده اند و اینک در صحنه ذهنی و در حافظه تاریخی مردم از انها چیزی جز یک اسم تنها به خاطر نمانده است؟ پس چرا تختی می تواند با گذشت سال ها از درگذشتش همچنان در جامعه به عنوان اسطوره پهلوانی و جوانمردی در ذهن ها باقی بماند و همیشه یادآوری اسمش همراه با احترام و تکریم باشد؟

ورزش در حال حاضر یک نهاد اجتماعی بسیار برجسته و با ارزش محسوب می شود. همه کشور ها برای معرفی و شناساندن فرهنگ و تمدن خود به جهانیان استفاده بهینه از ورزش را مورد توجه قرار می دهند. اکثر کشور ها برای جذب گردشگر و توسعه و گسترش توریسم ورزشی به میزبانی مسابقات جهانی و قاره ای همت می کنند. این که برای اخذ امتیاز میزبانی مسابقات بین المللی رقابت سنگینی بین کشورها برقرار می شود برای رسیدن به اهدافی است که در سطور بالا به آنها اشاره شد.

ورزش کردن، صرف تامین سلامتی نبوده و نیست. در ورزش و توسعه آن سلامتی روح و روان نیز مورد توجه بوده و روی این اصل می باشد که یک فرد ورزشکار در کنار تقویت قوای جسمی برای کسب آمادگی بدنی بیشتر باید به فکر سلامتی روحی و روانی خود نیز باشد و دستیابی به این مهم موقعی محقق می شود که اخلاق در ورزش گسترش و تعمیق یابد. حال ورزشکاری که تازه در اول راه است و چند صباحی نیست که مثلاً پا به توپ شده و با تشویق تنی چند از تماشاگران مواجه می شود به زودی عنان اختیار از دست می دهد و می کند آن کارهایی را که نباید انجام بدهد.

در این فرصت روی سخن با بازیکنان فوتبالی است که یک شبه می خواهند معروف و نامی شوند. ولی راه درست و اصولی این معروف شدن را نمی دانند. این عده خیال می کنند که اگر مقابل چشمان تماشاگران دست به یک سری اعمال و حرکاتی بزنند می توانند نام و اسم خود را بر زبان ها به اندازند. غافل از اینکه این تماشاگران بخوبی می دانند که باید برای کدام بازیکن سرو دست بشکنند و کدام یک را از دل و ذهن خود بیرون کنند و هیچ جایگاهی و منزلتی برای آن قائل نشوند.

اگر بازیکنی حرمت خود را نگاه ندارد مسلماً تماشاگران و دوستداران ورزش نیز حرمت وی را نگاه نمی دارند، دیگر نام وی را در سکوها فریاد نمی زنند و با هر حرکت تکنیکی وی فریاد شادی سر نمی دهند. چرا که برای جوانان و تماشاگران اردبیلی رعایت اخلاق ورزشی و اسلامی بالاتر و بالاتر از هرگونه پیروزی است.

